

جلسه ۴: تثنیه ۵-۸

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه چهارم در مورد تثنیه ۵-۸ است.

مقدمه

بنابراین امروز، ما قصد داریم به بررسی تثنیه ۵، ۶ و ۷ بپردازیم. خواهیم دید که تا کجا پیش خواهیم رفت. اما فقط به یاد خواهیم داشت که همانطور که به کتاب تثنیه نگاه می‌کردیم، تاکنون جزئیات زیادی در رابطه با موقعیت جغرافیایی مکان‌هایی که مردم بوده‌اند دیده‌ایم - شهرهایی که از آنها عبور کرده‌اند، گروه‌های قومی که از آنها عبور کرده‌اند، جاده‌هایی که طی کرده‌اند. ما توضیحات زیادی در مورد روایت تاریخی، داشته‌ایم، بنابراین مکان‌هایی که در گذشته بوده‌اند تا آنها را به جایی که اکنون هستند برساند. و با شروع تثنیه ۵، وارد نوع کاملاً جدیدی از موعظه می‌شویم. این یک موعظه متفاوت از موسی است.

تثنیه ۱: ۵ و مقایسه‌ای با تثنیه ۶

بنابراین، بیایید شروع به خواندن تثنیه ۵ کنیم. این با مقدمه‌ای شروع می‌شود که یک بار دیگر در فصل ۶ تکرار خواهد شد. بنابراین، در تثنیه ۵ آیه ۱ داریم: «آنگاه موسی تمام اسرائیل را فراخواند و به ایشان گفت ۶ شما اسرائیل.» «بنابراین به یاد داشته باشید، ما این فراخوان را شنیده‌ایم که بشنوید، به شما گوش دهید. ما این» را، در فصل ۴ شنیدیم، و بنابراین یک بار دیگر، در ابتدای فصل ۵ به آن می‌رسیم: «شما اسرائیل، ای اسرائیل فرایض و احکام را بشنو»، ما قبلاً نیز این را شنیده‌ایم. «که من امروز در گوش شما می‌گویم تا آنها را بیاموزید.» «و با دقت رعایت کنید»

و سپس، ما این توضیح را در مورد ارتباط خداوند با موسی در هورب یا کوه سینا داریم. حالا فصل ۶ با من به فصل ششم برگردید زیرا فصل ۶ به همین شکل شروع می‌شود، با این تفاوت که ۶ قرار است به آن انگیزه بدهد. بنابراین، فصل ۵ فقط این فراخوان برای شنیدن، گوش دادن و انجام دادن است. فصل ۶ با انگیزه‌ای برای اینکه چرا باید این کار را انجام دهید، به آن اضافه می‌کند. بنابراین، در فصل ۶، آیه ۱ می‌گوید: «این فرمان، فرایض و احکامی است که خداوند، خدای شما، به من دستور داده است که به شما بیاموزم تا آنها را در سرزمینی که برای تصرف آن به آنجا می‌روید، انجام دهید. تا شما و پسران و نوه‌تان از خداوند، خدای خود بترسید و تمام فرایض و احکام او را که من در تمام روزهای زندگی‌تان به شما دستور می‌دهم، حفظ کنید تا

روزهای شما طولانی شود. ای اسرائیل، باید گوش دهید و در انجام آن دقت کنید تا برای شما خوب باشد و بتوانید بسیار زیاد شوید، همانطور که خداوند، خدای پدرانان، در سرزمینی که با شیر و عسل جاری است، به شما «و عده داده است».

تثنیه ۲: ۵ - یادآوری تاریخی

بنابراین، اگرچه فصل‌ها به یک شکل شروع می‌شوند، فصل ۶ قرار است انگیزه‌ی چرایی آن را بسط دهد. پس، بیایید به فصل ۵ برگردیم.

فصل ۵، بنابراین ما این فراخوان را داریم که به قوانین و احکامی که خدا داده است گوش فرا دهیم. و این روایت تاریخی کوتاه را دریافت می‌کنیم که به مردم یادآوری می‌کند که این قوانین و احکام از کجا آمده‌اند بنابراین، در آیه ۲، «خداوند، خدای ما، در حوریب با ما عهد بست. خداوند عهد خود را با پدران ما نبست، بلکه «با ما، با کسانی از ما که امروز در اینجا زندگی می‌کنیم».

حالا این برمی‌گردد به چیزی که در سخنرانی قبلی هم در موردش صحبت کردیم، چون باز هم موسی دارد با مخاطب بی‌واسطه‌اش صحبت می‌کند، یعنی همان کسانی که کنارش در سواحل رود اردن ایستاده‌اند.

او می‌گوید: «خدا اینها را به ما داد، به همه ما که اینجا در کوه حوریب ایستاده‌ایم.» بنابراین از نظر تاریخی، نه، این نسل قبلی بود؛ اجداد آنها بودند. اما باز هم، می‌بینیم که چگونه تثنیه این نسل‌ها را در هم می‌آمیزد، جایی که داستان اجداد، داستان آنهاست. آنها به آن داستان با اجدادشان تعلق دارند تا بتوانند آن را به عنوان داستان خودشان بیان کنند.

تثنیه ۵ و مقایسه‌ای با خروج ۲۰

بنابراین آیه ۴، «زیرا خداوند در کوه از میان آتش، رو در رو با شما سخن گفت، در حالی که من در آن زمان بین خداوند و شما ایستاده بودم تا کلام خداوند را برای شما بیان کنم. زیرا شما از آتش می‌ترسیدید و به کوه بالا نرفتید. او گفت: «من خداوند، خدای شما هستم که شما را از سرزمین مصر، از خانه بندگی بیرون آوردم شما خدایان دیگری قبل از من نخواهید داشت. برای خود بت یا هیچ تمثالی از آنچه در آسمان بالا یا روی زمین پایین یا در آب زیر زمین است، نسازید. آنها را پرستش نکنید و به آنها خدمت نکنید، زیرا من خداوند، خدای شما، خدای حسودی هستم که گناه پدران را بر فرزندان، تا نسل سوم و چهارم از کسانی که از من متنفرند «مجازات می‌کنم. اما به هزاران نسل به کسانی که مرا دوست دارند و احکام مرا حفظ می‌کنند، رحمت می‌کنم».

حالا می‌خواهم اینجا مکث کنم. این در واقع تکرار چیزی است که در خروج ۲۰ دیده‌ایم. بنابراین، اگر به خروج ۲۰ برگردید و ده فرمان را آنطور که در خروج ۲۰ نقل شده است مقایسه کنید، شباهت زیادی را اینجا در کتاب تثنیه خواهید یافت.

چند نکته وجود دارد که می‌خواهم به آنها اشاره کنم که در نحوه تدریس این بخش در تثنیه منحصر به فرد هستند. اگرچه یکی از آنها لزوماً منحصر به فرد نیست، اما به مضامین تثنیه تعلق دارد. ما قبلاً در یک سخنرانی قبلی در مورد اینکه چگونه یک مضمون عهدی در کتاب تثنیه وجود دارد، صحبت کرده‌ایم، تا جایی که حتی می‌توانیم بگوییم که این کتاب مانند یک معاهده‌ی ارباب-رعیتی سازماندهی شده است.

به هزاران نفر رسید

یکی از چیزهایی که به این موضوع اشاره می‌کند یا از آن الهام می‌گیرد، همین جا در ده فرمان است. این یکی از آن مواقعی است که به عنوان یک استاد عهد عتیق، مردم می‌گویند خدای عهد عتیق همیشه خشن و سخت‌گیر و خشمگین است، اما خدای عهد جدید پر از لطف است. این یکی از چیزهایی است که دوست دارم به آن اشاره کنم، زیرا در آیه ۹ آن را داریم. «خدایان دیگر را پرستش نکنید و به آنها خدمت نکنید. زیرا خداوند، خدای شما، خدای حسودی است که گناه پدران را بر فرزندان نسل سوم و چهارم کسانی که از من متفرند، مجازات می‌کند.» و بله، این کمی خشن و کمی سخت به نظر می‌رسد. اصطلاح «نفرت» و اصطلاح «عشق»، اغلب می‌توانند اصطلاحات عهدی باشند. بنابراین، نفرت لزوماً نباید این جوشش درونی احساسات باشد همانطور که برای کسانی که عهد را می‌شکنند. بنابراین، عذاب، اثرات شکستن عهد، از نسل سوم و چهارم به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود، به جز اینکه در انتهای جمله نقطه ندارد. ادامه می‌دهد و می‌گوید: «اما این، خداست؛ او مهربانی نشان خواهد داد»، که اصطلاح عبری آن جسد است. جسد، که به معنای مهربانی است یکی از آن کلماتی است که به خوبی به انگلیسی ترجمه نمی‌شود. بسیار غنی و عمیق است. عشقی پایدار، عشقی صبورانه و عشقی ناخوشایند است. عشقی که همیشه به عهد وفادار است. همیشه گفته می‌شود که خدا عشق جسد داشته است. بنابراین، خدا حافظه‌ای طولانی دارد؛ چه کسی می‌داند که او این عهدها را با ابراهیم، اسحاق و یعقوب بسته است و همیشه به آن عهد وفادار خواهد ماند.

و آن عشق عمیق، غنی و پایدار، هزاران نسل را در بر خواهد گرفت. نه فقط سه نسل، دو نسل یا چهار نسل، بلکه هزاران نسل، "برای کسانی که مرا دوست دارند". و این حتی لازم نیست عشق پایدار باشد، بلکه کسانی که خدا را دوست دارند؛ خدا در عوض به هزاران نفر اصرار دارد که به این شکل عشق بورزند. بنابراین، من فکر می‌کنم این فقط یک تصویر واقعاً زیبا از این است که خدا قلبی واقعاً شگفت‌انگیز، قلبی پایدار برای قوم خود دارد.

تفاوت شبات در مقایسه تثنیه ۵ و خروج ۲۰

خب، برگردیم به ده فرمان. دوباره این نقل قول از خروج ۲۰ را داریم؛ تنها تفاوت این است که وقتی به رعایت سبت یا شبات می‌رسیم، تثنیه دلیل متفاوتی برای اینکه چرا باید شبات را رعایت کنیم، ارائه می‌دهد، بنابراین این با آیه ۱۲ شروع می‌شود. در آن آمده است: «روز سبت را رعایت کنید تا آن را مقدس نگه دارید، همانطور که خداوند، خدای شما، به شما دستور داده است. شش روز کار کنید و تمام کارهای خود را انجام دهید، اما روز هفتم سبت خداوند، خدای شماست. در آن هیچ کاری نکنید، شما یا پسر یا دخترتان یا غلام یا کنیزتان یا گاو یا الاغتان یا هیچ یک از گاوهایتان یا مسافرانی که با شما می‌مانند. تا من و غلامتان و شما استراحت کنیم این یک فهرست بسیار جامع است. فقط سرپرست خانواده نیست که استراحت می‌کند؛ بلکه سرپرست خانواده و هر کس دیگری در خانه است. این گاوها هستند، همه کار می‌کنند، معیشت. این تمام خلقت است. این استراحت همه است.

به یاد خواهی آورد که در سرزمین مصر برده بودی و خداوند، خدای تو، تو را با دستی نیرومند و «بازویی دراز از آنجا بیرون آورد. بنابراین، خداوند، خدای تو، تو را امر فرمود که روز سبت را گرامی بداری

حالا با من به خروج ۲۰ برگردید. ببینید ببینیم نسخه خروج چه می‌گوید

اینها لزوماً استدلال‌های متناقضی نیستند، بلکه متفاوتند؛ آنها فقط تفاوت‌هایی را در نگارش این قوانین نشان می‌دهند. بنابراین در خروج ۲۰، در آیه ۸، ما همچنین دستور «سبت را به یاد داشته باشید» را داریم. در آیه ۹، فهرستی از مردم داریم، باز هم فهرستی جامع از افرادی که می‌توانند سبت را رعایت کنند. و در آیه ۱۱ آمده است: «زیرا در شش روز، خداوند آسمان‌ها و زمین را فقط دریا و هر آنچه در آنهاست ساخت و در روز هفتم استراحت کرد. بنابراین، خداوند روز سبت را متبرک کرد و آن را مقدس ساخت.» بنابراین در خروج ۲۰، دلیل رعایت سبت به دلیل روایت خلقت است، زیرا خدا آفرید و در پایان خلقت، او بر خلقت خود سلطنت می‌کند، به همه چیز همانطور که ساخته است نگاه می‌کند و می‌گوید که خوب است. و این ایده سلطنت است که خدا پادشاه است.

تثنیه ۲۰، کمی بیشتر جنبه یادآوری دارد، چون شما قبلاً برده بودید و ما مصر را به یاد می‌آوریم زمانی که همه چیز وارونه بود، درست است؟ وقتی شما مظلوم بودید، وقتی که کوره آتشین ظلم بود، خدا شما را از آن بیرون آورد و به جای خوبی آورد. و به همین دلیل، ما می‌خواهیم بنشینیم و سبت را رعایت کنیم. این همچنین راهی برای یادآوری این است که خدا کسی است که بر پادشاهی خود سلطنت می‌کند، اما همچنین راهی است که به خروج اشاره می‌کند تا مردم در تمام طول تاریخ خود، به روشی که خدا در تاریخ عمل کرده است،

روشی که خدا در گذشته آنها را دوست داشته است، توجه داشته باشند. به همین دلیل است که در روز سبت استراحت می‌کنیم و به یاد می‌آوریم که خدا کسی است که مسئول است، کسی که همه این کارها را برای ما انجام داده است.

ده فرمان و شریعت بنی اسرائیل

بنابراین بقیه تثنیه ۵ به توضیح ده فرمان می‌پردازد. اکنون متوجه شده‌ایم که مدت‌هاست مردم گفته‌اند که ده فرمان اساساً مروری بر تمام قوانین بنی اسرائیل است. بنابراین از قرون وسطی، خاخام‌ها متوجه شده‌اند که ده فرمان به عنوان دسته‌های بزرگ عمل می‌کنند. ما می‌توانیم تمام ۶۱۳ قانون دیگر در کتاب مقدس عبری را در نظر بگیریم و آنها را در مقطعی یا به نحوی در ده فرمان جای دهیم. برخی از مردم این ایده را گرفته‌اند و گفته‌اند که این روش دیگری است که می‌توانیم کتاب تثنیه را سازماندهی کنیم. بنابراین به طور بالقوه، ما در سخنرانی‌های قبلی در مورد چگونگی قالب تثنیه تقریباً یک قالب عهدی صحبت کردیم، یا می‌توانیم آن را به عنوان گروهی از خطبه‌هایی که موسی ایراد کرده است سازماندهی کنیم، یا می‌توانیم آن را به معنای واقعی کلمه سازماندهی کنیم تا راه خود را به سمت مجموعه قوانینی که از فصل ۱۲ شروع می‌شود، ادامه دهیم.

همچنین می‌توانیم بگوییم که در اینجا در فصل ۵ تثنیه، ما قانون را با بیان مجدد ده فرمان آغاز می‌کنیم که در آن ۱۰ کلمه یا ده فرمان و هر آنچه که پس از آن می‌آید، در آن جای می‌گیرند. بنابراین، افراد زیادی در مورد آن نوشته‌اند. بنابراین، می‌توانید در مورد آن تحقیق کنید. این یک روش واقعاً عالی برای تفکر در مورد نحوه سازماندهی کتاب تثنیه است. با پیشرفت ما خواهید دید که دو فصل اول، همانطور که به فصل‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ می‌رسیم، همگی بر پرستش خدا و فقط خدا متمرکز هستند.

و بعد فصل‌ها، وقتی به فصل نوزدهم رسیدیم و از فصل بیست و پنجم گذشتیم، به این نگاه می‌کنیم که مردم چگونه باید در جامعه با یکدیگر تعامل داشته باشند. بنابراین، این فصل‌ها به خوبی تقسیم‌بندی شده‌اند، مانند ده فرمان. مردم چگونه باید با خدا تعامل و رفتار کنند؟ مردم چگونه باید با یکدیگر تعامل داشته باشند؟

تثنیه ۶

حالا می‌خواهیم به سراغ فصل ششم تثنیه برویم. قبلاً اشاره کردیم که فصل ششم تثنیه به شکلی بسیار شبیه به فصل پنجم شروع می‌شود. بنابراین، به عبارت «اینها احکام هستند، اینها قوانین هستند» نیز برمی‌گردد و این ایده به ذهنمان خطور می‌کند که موسی در این خطبه سعی دارد برای مردم توضیح دهد که این برای آنها چه معنایی دارد، زیرا آنها آماده می‌شوند تا به این سرزمین بروند.

خب، من قبلاً آیات اول و دوم را خوانده‌ام. بنابراین، ما سخنرانی انگیزشی را داریم، انگیزه‌ای که پشت رعایت این قوانین و احکام وجود دارد؛ این است که آنها بتوانند به این سرزمین موعود بروند و زندگی کاملی داشته باشند.

تثنیه ۴:۶ - شما

من می‌خواهم روی آیه ۴ تمرکز کنم. بنابراین، می‌گوید: «ای اسرائیل بشنو.» پس یک بار دیگر، شما اسرائیل. خداوند خدای ماست، خداوند واحد است.» خب، این یک راه برای ترجمه آن است. این متن عبری است، و نکته جالب در مورد نحوه نگارش این عبری این است که ما هیچ مصوتی نداریم، یا مصوت نداریم هیچ فعلی در این جمله نداریم. بنابراین، باید بفهمیم که چگونه این را ترجمه کنیم، که این جمله خاص را به یک جمله فوق‌العاده تبدیل می‌کند. واقعاً عمیق و غنی از معناست.

بنابراین شِمَع یعنی «گوش کن». اسرائیل یعنی «اسرائیل». ما یهوه را داریم، «آدونای». الوهونو یعنی «خدای ما»، دوباره یهوه، و إهاد یعنی «یکی». خب، فعل را کجا قرار دهیم؟

می‌توانیم بگوییم، «شما اسرائیل». این خیلی شبیه «گوش کن اسرائیل» است. این چهار کلمه هستند که در نهایت برای ما واقعاً جالب می‌شوند. می‌توانیم درست بعد از یهوه «هست» بگذاریم. بنابراین می‌توانیم بگوییم، «یهوه خدای ماست. یهوه یکی است.» می‌توانیم بگوییم، «یهوه، خدای ما خدای واحد است.» اگر به تمام این ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس نگاه کنیم، می‌توانیم به ۸، ۹، ۱۰ روش مختلف برای تفسیر این آیه برسیم. این آیه، شما است، همانطور که مردم اکنون آن را شما از تثنیه ۴:۶ می‌نامند. «شما، اسرائیل یهوه الوهونو، یهوه احد.» این در هسته پرستش یهودیان است. در هسته پرستش بنی‌اسرائیل بود. تا به امروز در هسته پرستش یهودیان است. این یک جمله بسیار قدرتمند و مقدس است.

این جمله قاطعانه اعلام می‌کند که خداوند، خدای اسرائیل، خدای واحد است. او یگانه است. او تنها کسی است که بنی‌اسرائیل باید او را بپرستند. هیچ کس دیگری در اطراف او نیست. و بنابراین، مهم نیست که کلمه "هست" را کجا قرار دهیم، این جمله ایده توحیدی را که خدا واحد است، در چهار کلمه به طور خلاصه بیان می‌کند. او یگانه است و اسرائیل از آن اوست. بنابراین، این همان تثنیه ۴:۶ است.

تثنیه ۱:۶-۱۵

حالا بیایید به بررسی تثنیه ۱:۶ تا ۱۵، این گروه از جملات یا آیات، ادامه دهیم، زیرا این بخش در اواخر سخنرانی خواهد آمد. بنابراین، این بخش اول و کامل تثنیه ۶ است.

تثنیه ۵:۶ بزرگترین فرمان - خدا را دوست بدارید

بنابراین، پس از شما، تأملی داریم بر اینکه یادآوری این موضوع برای مردم چقدر مهم است. بنابراین آیه ۵: «خداوند، خدای خود را با تمام قلب، با تمام روح و با تمام قدرت خود دوست بدار.» این آیه ممکن است برای شما بسیار آشنا به نظر برسد، به خصوص اگر عهد جدید را زیاد خوانده باشید. این آیه در گفتگوهای: خاخام‌ها، فریسی‌ها و صدوقی‌ها با عیسی در مورد بزرگترین فرمان بسیار دیده می‌شود. آه، بزرگترین فرمان: «خداوند، خدای خود را با تمام قلب، با تمام روح و با تمام قدرت خود دوست بدار»

با این حال، اگر به نسخه عهد جدید عادت دارید، اضافه شده و همسایه‌ات را مانند خودت در نظر گرفته است. اما این در واقع در تثنیه ۶ وجود ندارد. پس آن بخش آخر از کجا آمده است؟ این در واقع از لایوان ۱۹ آمده است. بنابراین، در لایوان ۱۹، اگر به این کلمات به زبان عبری نگاه کنیم، عبارت «و دوست بدار» که در تثنیه ۵:۶ آغاز می‌شود، ترکیبی جالب از کلمات عبری است که فقط دو بار دیگر تکرار شده است. هر دوی این موارد در لایوان است. در لایوان ۱۹، فهرست کاملی از تمام این کارهایی که مردم باید انجام دهند وجود دارد زیرا خدا آنهاست و یکی از آنها این است که «همسایه خود را مانند خود دوست بدار». و به همان شکلی که این آیه شروع می‌شود، شروع می‌شود. «و همسایه خود را دوست بدار»، چرا؟ زیرا خدا خدای شماست

در زمان عهد جدید، مردم متوجه این شباهت و زبان شدند و گفتند: «بزرگترین حکم چیست؟» خب، این یکی در تثنیه است، خداوند، خدای خود را با هر آنچه داری دوست بدار، اما چون ما خداوند را با هر آنچه داریم دوست داریم، به این معنی است که باید همسایه خود را نیز مانند خودمان دوست داشته باشیم

تثنیه ۶:۶ درباره تعلیم در چارچوب خانواده و مشخص کردن مکان‌های آستانه‌ای

بنابراین در تثنیه آمده است که «خداوند، خدای خود را با تمام قلب، با تمام روح و با تمام توان خود دوست بدار.» و در آیه ششم، «این سخنانی که امروز به تو فرمان می‌دهم، باید بر دلت باشد. آنها را با دقت به پسرانت بیاموز. وقتی در خانه می‌نشینی، وقتی راه می‌روی، وقتی در راه هستی، وقتی دراز می‌کشی، وقتی بلند می‌شوی، از آنها صحبت کن.» بنابراین، اینها وقتی کاملاً برعکس هستند، مریسم نامیده می‌شوند و به معنای هر چیزی بین این دو است. بنابراین، فقط وقتی ایستاده‌ای یا راه می‌روی نیست. وقتی ایستاده‌ای، وقتی راه می‌روی، وقتی دراز می‌کشی، وقتی غذا می‌خوری، وقتی نفس می‌کشی، وقتی در خانه هستی و وقتی در ملاء عام هستی با فرزندان صحبت می‌کنی و به آنها آموزش می‌دهی. بنابراین، تثنیه تأکید زیادی بر نقش فرد، والدین، دارد تا در خانه‌های خود باشند و به فرزندان خود قوانین، احکام و فرامینی را که خدا به آنها داده است، آموزش دهند

او ادامه می‌دهد: «آنها را مانند نشان بر دستت ببند و مانند پیشانی‌بند بر پیشانی‌ات باشد. آنها را بر باروهای خانه‌ات و دروازه‌هایت بنویس. آنگاه هنگامی که خداوند، خدای تو، تو را به سرزمینی که برای پدران‌ت ابراهیم، اسحاق و یعقوب سوگند خوردی، بیاورد که شهرهای بزرگ و باشکوهی را که خود نساخته‌ای، و خانه‌هایی پر از چیزهای خوب را که خود پر نکرده‌ای، و آب‌انبارهایی را که خود کنده‌ای، تاکستان‌ها و درختان زیتونی را که خود نکاشته‌ای و از آنها می‌خوری و سیر می‌شوی، به تو بدهد، آنگاه مراقب باش که خداوندی را که تو را از سرزمین مصر از خانه‌ی بردگی بیرون آورد، فراموش نکنی.» و من در اینجا مکث می‌کنم.

بنابراین، ما در این آیات و فصل ۶، آیات ۱-۱۵، تأکید زیادی داریم، که دوباره در فصل ۱۱ تکرار خواهد شد. تأکید بر به خاطر سپردن است. و دستورالعمل‌هایی برای چگونگی به خاطر سپردن آنها وجود دارد. بنابراین، یک تکنیک در این امر دخیل است. به مردم گفته می‌شود که مکان‌های آستانه‌ای را علامت‌گذاری کنند. بنابراین مکان‌های آستانه‌ای مکان‌هایی هستند که در بین آنها قرار دارند. بنابراین، شاید به یک درگاه فکر کنید. آیا درگاه در راهرو قرار دارد یا در داخل اتاق است؟

به نوعی به هر دو تعلق دارد، و به نوعی به هیچ‌کدام. درگاه یک مکان آستانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. این نقطه‌ی گذار از یک مکان به مکان دیگر است. معمولاً لبه‌ها را مشخص می‌کند.

بنابراین در تثنیه ۶، جایی که این کلمه «به یاد داشته باش» بسیار ضروری است. تثنیه می‌گوید راهی که می‌توانید این کار را انجام دهید، مشخص کردن مکان‌های آستانه‌ای است. خوب، بیایید نگاهی به آن مکان‌ها بیندازیم. همانطور که آنها را می‌خوانیم، قبلاً در مورد اینکه چگونه این قوانین باید در قلب شما باشند، در درون شما جاسازی شوند، صحبت کردیم.

آنها را به عنوان نشانه‌ای بر دست خود ببندید. «دست شما مرز بین شما و عمل شما نسبت به دیگران است.» دست، عامل تعامل بین شما و دیگران است. بنابراین، این قانون را بر دست خود ببندید تا به شما یادآوری کند که هنگام تعامل با دیگران، این امر تحت دستورالعمل‌هایی است که خداوند به شما داده است.

آنها را روی پیشانی یا جلوی سرتان قرار دهید. «برخی آن را «بین چشم‌ها» ترجمه می‌کنند. کمی.» مهم است که بهترین ترجمه برای این چیست، اما «بین چشم‌ها» مانند برداشت‌های شما از دنیای اطرافتان است. بنابراین، ما کلام خدا یا این کلمات را داریم؛ آنها روی قلب شما، درونی‌ترین بخش وجودتان، روی دستتان که با دیگران تعامل دارید و بین چشمانتان نوشته شده‌اند، به عنوان راهی برای محافظت از برداشت شما از دنیای بیرون.

همچنین آنها را بر سر در خانه‌هایتان بنویسید.» از فضای خصوصی خودتان، وقتی وارد شهر می‌شوید و در فضای عمومی هستید «و بر دروازه‌های شهرتان.» بنابراین، همانطور که شهر شما از میان محله‌های سازمان‌یافته‌تان، به دنیای اطرافش می‌رود.

بنابراین راه به خاطر سپردن این است که از درونی‌ترین وجود خود تا عمومی‌ترین مکان، این واقعیت را به خاطر بسپارید که تمام آنچه شما به عنوان یک فرد هستید و هر کسی که با او زندگی می‌کنید، طبق قانون خدا زندگی می‌کند. این راهی برای به خاطر سپردن شماست.

بنابراین، اگر از شما بپرسم، آیات ۱ تا ۱۵ را چگونه توصیف می‌کنید؟ چه می‌گویید؟ چه چیزی می‌نویسید؟ اگر این آیات را بگوییم، فقط به شمع و ایده‌ای که باید به خاطر داشته باشیم، نگاهی می‌اندازیم. ایده‌های کلیدی تثنیه ۶: ۱-۱۵ چیست؟

ممکن است ایده‌های متفاوتی داشته باشید. من مطمئنم که هیچ چیز در واقع اشتباه نیست، اما به نظر من، بخش زیادی از آن مربوط به فراموش نکردن خداست، این خدای واحد. و فراموش نکردن یا به یاد نیاموردن هسته اصلی کاری است که مردم قرار است انجام دهند.

تثنیه ۱۴: ۶-۱۵

خب، بیایید ادامه دهیم. من از آیه ۱۴ شروع می‌کنم. «از خدایان دیگر، از خدایان دیگر مردمی که شما را احاطه کرده‌اند، پیروی نکنید. زیرا خداوند، خدای شما، در میان شماست. او خدایی حسود است. در غیر این صورت، خشم خداوند، خدای شما، بر شما افروخته خواهد شد و شما را از روی زمین محو خواهد کرد. خداوند خدای خود را آزمایش نکند، همانطور که او را در ماسا آزمایش کردید.» ماسا در واقع به معنای «آزمایش کردن» است. این داستانی است که باید به عقب برگردید و در خروج ۱۷ بخوانید. من شما را تشویق می‌کنم که واقعاً این کار را انجام دهید. به عقب برگردید و بخوانید زیرا همانطور که موسی در خطبه خطاب به مردم صحبت می‌کند، او به رویدادی در گذشته آنها اشاره می‌کند که آنها از آن آگاه هستند. زمانی بود که آنها تشنه بودند، به آب نیاز داشتند و شکایت می‌کردند. و در نهایت خدا برای آنها آب فراهم می‌کند. اما این زمانی است که آنها می‌گویند، من فکر نمی‌کنم خدا واقعاً خیر ما را در نظر داشته باشد. این رویدادی است که موسی به آن اشاره می‌کند.

شما باید با دقت از فرامین خداوند، خدای خود، و شهادت و فریض او که به شما امر فرموده است، پیروی کنید. شما باید آنچه را که در نظر خداوند درست و نیکو است، انجام دهید تا برای شما خوب باشد، تا

بتوانید وارد سرزمین خوبی شوید که خداوند سوگند یاد کرده است که به پدرانتان بدهد و با بیرون راندن تمام دشمنان از پیش روی شما، همانطور که خداوند گفته است، آن را به دست آورید. وقتی پسران در زمان آینده از شما بپرسد که منظور از شهادت و فرایض و احکامی که خداوند، خدای ما، به شما امر کرده است چیست؟ پس به پسران بگویید: ما در مصر برده فرعون بودیم و خداوند ما را با دست قوی از مصر بیرون آورد. علاوه بر این، خداوند آیات و معجزات بزرگ و دردناکی را در برابر چشمان ما علیه مصر، فرعون و تمام خانواده‌اش «نشان داد. او ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را به سرزمینی که برای پدرانمان سوگند یاد کرده بود، بیاورد».

شما باید همین الان شروع به شنیدن این موضوع کنید که یک چیز تکراری اینجا وجود دارد، درست است؟ قوانین و احکام برای این است که مردم بتوانند وارد شوند و زندگی کنند. خب، چرا باید انگیزه داشته باشند که از این احکام پیروی کنند؟ چون خدا قبلاً آنها را نجات داده است، چون آنها را از یک وضعیت ظالمانه بیرون آورده و این سرزمین را به آنها داده است.

تثنیه ۱۴:۶-۱۵ خدا کیست و چه کرده است

در آیه ۲۴ آمده است: «پس خداوند ما را امر فرمود که تمام این فرایض را بجا آوریم و از خداوند خدای خود، بترسیم، برای خیر ما همیشه، و برای بقای ما، چنانکه امروز هست. این برای ما پارسایی خواهد بود، اگر ما با دقت تمام این فرمان را برای خداوند، خدای خود، همانطور که او به ما فرمان داده است، رعایت کنیم.»

خب، یک بار دیگر، اگر بخواهم بپرسم، تثنیه ۱۴:۶ تا ۲۵ را چگونه توصیف می‌کنید؟ کمی با آیات قبلی متفاوت است. هر دو مربوط به یادآوری هستند، اما این بخش دوم تمرکز زیادی بر این دارد که خدا کیست و چه کاری انجام داده است تا این قوانین و احکام بتواند آنها را به یک زندگی کامل در سرزمین هدایت کند. خب، به هر دو ایده در مورد مفهوم ۱-۶:۱۵ و همچنین مفهوم ۱۴-۶:۲۵ توجه کنید. کمی بعد به انتهای سخنرانی به این موضوع برمی‌گردیم.

تثنیه ۷ ساکنان متنوع سرزمین و مناطق متنوع

حالا می‌خواهیم به فصل ۷ و فصل ۷ برویم؛ من قصد ندارم آن را با جزئیات کامل بخوانم. جنبه‌هایی از فصل ۷ وجود دارد که بسیار شبیه به فصل ۱۲ است. بنابراین وقتی به فصل ۱۲ رسیدیم، در مورد برخی از این جنبه‌ها صحبت خواهیم کرد. اما می‌خواهم به چند نکته اشاره کنم. یکی از نکات پیچیده در مورد تثنیه ۷، نحوه شروع آن است.

بنابراین در آیه ۱ می‌گوید: «هنگامی که یهوه، خدایتان، شما را به سرزمینی که برای تصرف آن وارد می‌شوید، بیاورد و ملت‌های بسیاری را از پیش روی شما بیرون کند.» و سپس فهرستی دریافت می‌کنیم. «حتیان جرجاشیان، اموریان، کنعانیان، فرزبان، حویان، بیوسیان، هفت ملت بزرگتر و قوی‌تر از شما.» بیابید لحظه‌ای به این موضوع بپردازیم. این گروه‌های قومی در واقع نامگذاری شده‌اند. بنابراین، وقتی آنها وارد سرزمین می‌شوند، چیزی بیش از کنعانیان معمولی هستند. گروه‌های قومی شناخته‌شده‌ای در آنجا حضور دارند و تنبیه از هفت، هفت، هفت ملت مختلف نقل قول می‌کند.

حالا می‌خواستیم در مورد این موضوع صحبت کنم، نه از این نظر که خدا به آنها گفته که وارد شوند و زمین را پاکسازی کنند، وقتی به فصل ۱۲ رسیدیم در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما می‌خواهم به این واقعیت بپردازم که تنبیه مردمی را که آنجا هستند به رسمیت می‌شناسد. خب، آیا در سخنرانی‌های قبلی به یاد دارید که در مورد سرزمینی که مردم وارد آن می‌شوند صحبت کردیم؟ این سرزمین بسیار متنوع است. ما به نقشه نگاه کردیم و دیدیم که چگونه به رنگ قهوه‌ای تیره رنگ شده است تا زمین کوهستانی را نشان دهد. ما آن را در مقایسه با جوامع کنار رودخانه‌ای در مصر و بین‌النهرین قرار دادیم. گفتیم که مصر و بین‌النهرین، سرزمین‌های بسیار مقاومی دارند که می‌توانند از امپراتوری‌های عظیم پشتیبانی کنند و به مردم در برقراری ارتباط کمک کنند، اما سرزمینی که کوهستانی است، اگر کمی آن طرف‌تر زندگی کنید، من کمی بیشتر به شما مشکوک هستم.

بگذارید چند عکس از تنوع سرزمینی که سرزمین مردمی است که آماده به ارث بردن آن هستند، به شما نشان دهم. بنابراین ما یک دشت ساحلی داریم. این جایی است که فلسطینی‌ها در نهایت در این دشت ساحلی زندگی می‌کردند. می‌توانید آبی دریای مدیترانه را در غرب و مسطح بودن زمین در دشت ساحلی را ببینید. بالا رفتن به تپه‌ها کار سختی نیست. این تصویر ممکن است در این ویدیوی خاص کمی محو باشد، اما این دره‌های عمیق را نشان می‌دهد. این زمین کشاورزان است که می‌توانید تمام سرسبزی را ببینید. در این نوع زمین آب کافی برای کشت محصولات کشاورزی وجود دارد. اما دامنه تپه آنقدر شیب‌دار است که کشاورزان باید از آن عبور کنند و زمین را تراس‌بندی کنند تا بتوانند پله‌هایی به دامنه تپه بسازند تا بتوانند در واقع روی تپه‌ها محصول پرورش دهند.

خب، می‌توانید تصور کنید مردمی که در این نوع زمین زندگی می‌کنند، حتی با وجود این همه آب، سبک زندگی کاملاً متفاوتی نسبت به کسانی که در دشت ساحلی زندگی می‌کنند، خواهند داشت. بافت زمین بسیار متفاوت است.

بنابراین، همانطور که به سمت شرق حرکت می‌کنیم، هنوز کوه داریم، اما آب بسیار کمتری داریم. و به دلیل آب کمتر، می‌بینید که این تپه‌ها چقدر قهوه‌ای و بایر هستند. کشاورزی در این تپه‌ها بسیار دشوارتر است.

درست در سمت شرقی، باران کمتری داریم، آب کمتری. بنابراین تکنیک کشاورزی باید متفاوت باشد. هنوز هم می‌توان کشاورزی کرد، اما نه چندان روشن، ما تپه‌ها را به اندازه‌ای که در دره‌ها آب پیدا می‌کنیم، تراس‌بندی نمی‌کنیم و در دره‌ها می‌کاریم. ما شاهد چوپانی بیشتری خواهیم بود. بنابراین گوسفندان و بزها می‌توانند در آن تپه‌ها زندگی کنند.

اما این همه ماجرا نیست، چون ما بیابان هم داریم. اینجا در واقع بیابان یهودیه است. اینجا بیرون شهر بیت‌لحم است. اگر قرار باشد از بیت‌لحم به سمت شرق بروید، اینجا حتی از آخرین تصویری که به شما نشان دادم هم بایتر است. بنابراین، در حالی که در تصویر آخر، تا حدودی بایر بود، اما هنوز هم می‌توانید کمی کشاورزی کنید. اینجا، به دلیل خاک و باران کافی، کشاورزی امکان‌پذیر نیست. اینجا همه‌اش زمین‌های چوپانی است. اینجا با دشت ساحلی بسیار متفاوت است. اما این همه ماجرا نیست.

می‌توانیم تمام مسیر را به سمت جنوب آنها برویم. اینجا جایی است که قرار است شترها را جمع کنیم، و حتی خشک‌تر و بایتر است. اینجا حتی باران کمتری هم می‌بارد. بنابراین، به این سرزمین اسرائیل به عنوان مکانی بسیار متنوع فکر کنید. تنوع اکوسیستم‌های موجود در آنجا، به طور منظم تغییر می‌کند. امروزه، اگر به سرزمین اسرائیل بروید، اساساً فقط باید حدود ۴۵ دقیقه سفر کنید و هر چیزی که بیرون از پنجره می‌بینید یا هر چیزی که در پیاده‌روی از آن عبور می‌کنید، کاملاً تغییر می‌کند.

در این نوع سرزمین، متحد کردن مردم بسیار دشوار است زیرا افرادی که در چنین سرزمینی زندگی می‌کنند، دسترسی متفاوتی به دنیای بیرون دارند. آنها لباس‌های متفاوت و مصالح ساختمانی متفاوتی دارند. آنها به روشی کاملاً متفاوت عمل می‌کنند. آنها سبک زندگی‌ای را ایجاد می‌کنند که خانواده‌هایشان را به شیوه‌ای متفاوت از افرادی که در ساحل یا کشاورزانی که در تپه‌ها هستند، حمایت می‌کنند. و بنابراین، افرادی که شبیه هم هستند، تمایل دارند با هم گروه تشکیل دهند و متحد کردن آنها در چنین زمین متنوعی واقعاً دشوار است زیرا آنها سبک زندگی بسیار متفاوتی دارند.

ما واقعاً می‌توانیم ببینیم که چگونه این سرزمین، بنی‌اسرائیل آماده ورود به آن می‌شوند، این سرزمین از قبل مردمش را از هم پاشیده است، زیرا در تثبیه فصل ۷، انواع مردمی که در آنجا هستند را فهرست می‌کند. در حال حاضر هفت گروه مختلف مردمی وجود دارند که از قبل آنجا هستند، متحد نشده‌اند، مانند ادوم نیستند، مانند موآب یا عمون نیستند. آنها هیچ نوع دولت متمرکزی تشکیل نداده‌اند زیرا چشم‌انداز آنها را از هم جدا می‌کند.

این برای ما هشداری خواهد بود، زیرا بنی‌اسرائیل هنگام ورود، در بیابان سرگردان بوده‌اند. بنی‌اسرائیل از ۱۲ قبیله تشکیل شده‌اند، اما با این حال باید به این سرزمین، سرزمینی با این تنوع، بروند. و با

این حال باید به یاد داشته باشند که آنها یک قوم واحد با یک خدا - شما اسرائیل - هستند. این یک چالش بزرگ برای مردم هنگام ورود خواهد بود.

بنابراین، وقتی دوباره شروع به بررسی کنیم، وقتی به فصل ۱۲ نزدیکتر می‌شویم، باید این ایده‌ها را بررسی کنیم که چگونه بنی‌اسرائیل می‌توانند وارد چنین سرزمین متنوعی شوند، سرزمینی که به طور طبیعی مردم را از هم جدا می‌کند و آنها را در اکوسیستم‌های مختلفشان منزوی می‌کند. چگونه می‌توانند به عنوان یک تثنیه ایده‌هایی دارد که باید در فصل ۱۲ به آنها بپردازیم گروه قومی وفادار به یک خدا متحد بمانند؟

تثنیه ۷ - خدا به عنوان جنگجو

بنابراین در اینجا، در فصل ۷، می‌بینیم که شباهت‌هایی با فصل ۱۲ وجود دارد. به آنجا خواهیم رسید دیدیم که گروه‌های مختلفی از مردم وجود دارند، و با این حال تثنیه ۷، حتی در این فصل، به مردم یادآوری می‌کند که نترسند زیرا خدا جنگجوی شماسست، درست است؟ ما قبلاً دیدیم که این موضوع در فصل ۱ تثنیه نیز وجود دارد. خدا کسی است که پیشاپیش قوم خود می‌رود. در واقع، در آیه ۱۸ می‌رسیم: «از آنها، از همه مردمی که در سرزمین هستند، نترس. به یاد داشته باش که خداوند، خدای تو، آنچه را که خداوند، خدای تو با فرعون در تمام مصر کرد، به یاد خواهی آورد.» بنابراین دوباره، ما به یاد می‌آوریم، و به یاد می‌آوریم دستوری را که به ما جسارت می‌دهد تا به این سرزمین برویم و بدانیم که خدا کسی است که پیشاپیش ما می‌رود.

تثنیه ۸ - به یاد آوردن و فراموش کردن

خب، بیایید به فصل ۸ برویم. و قبل از اینکه به فصل ۸ برویم، کمی در مورد مفهوم به یاد آوردن و اهمیت آن صحبت کرده‌ایم. بیایید لحظه‌ای به برخی از متون عبری نگاه کنیم و واقعاً به این فکر کنیم که این کلمه برای مخاطبان اصلی، مخاطبان کتاب مقدس، چه معنایی داشته است. ممکن است کمی با آنچه ما در مورد آن به معنای «آگاه» **zakar** است. و «**zakar**» فکر می‌کنیم متفاوت باشد. کلمه «به یاد آوردن» در زبان عبری شدن از چیزی در زمان حال» است، درست است؟ بنابراین، به یاد آوردن یعنی از عقب ذهن خود به خط مقدم ذهن خود آوردن، به یاد آوردن یعنی آن را در زمان حال نگه داشتن، یعنی آگاه بودن از چیزی در زمان حال.

بنابراین، نقطه مقابل «فراموش کردن» فقط فراموش کردن جای کلیدها یا فراموش کردن مسیر رسیدن به فروشگاه مورد علاقه‌تان نیست. این نوع فراموشی نیست. در واقع رها کردن دانش است. بنابراین، در حالی که ذاکر چیزی را به خط مقدم می‌آورد و آن را به طور فعال در حافظه، در آگاهی شما حاضر نگه می‌دارد، فراموش کردن در واقع رها کردن آن دانش است.

در سخنرانی قبلی در مورد اینکه چگونه در تثبیه، هرگز به مردم گفته نشده است که قوانین را به خاطر بسپارند، صحبت کردیم. لازم نیست جزئیات همه قوانین را به خاطر بسپارید، اما باید به یاد داشته باشید که خدای شما کیست، اعمال و کردار خدا چیست. باید تاریخ خود را به خاطر بسپارید. و ما از تثبیه ۶ آموختیم که دلیل انجام این کار این است که بتوانیم اعمال آینده خود را بر اساس اینکه خدا کیست، زندگی کنیم و بتوانیم به سرزمین برویم و زندگی انسانی کاملی در آن داشته باشیم.

حافظه و احساسات

حالا حافظه نیز با احساسات مرتبط است. بنابراین وقتی خاطراتی از وقایع داریم که به طور فعال آنها را به ذهنمان می‌کشانیم. وقتی بنی‌اسرائیل تمام کارهایی را که خدا در مصر برایشان انجام داده بود به یاد می‌آوردند، با احساسی از احساسات همراه است. قدردانی از خدا، یا احساسی از آنچه هنگام ظلم مصریان احساس می‌کردند. بنابراین، حافظه می‌تواند احساسات را برانگیزد. بنابراین، وقتی حافظه و احساسات این ارتباط را برقرار می‌کنند، بخشی از آن این است که شما بتوانید ارتباط برقرار کنید، شما این توانایی را دارید که آن احساس را به یک غریبه در شرایط مشابه نسبت دهید. بنابراین، این ایده به یاد آوردن و یادآوری احساسات با رفتار اخلاقی اسرائیل گره خورده است. اغلب به آنها گفته می‌شود: "به یاد داشته باشید که زمانی در مصر برده بودید." و به دلیل خاطره این واقعیت که آنها در مصر برده بودند، به یاد داشته باشید که آن احساس چگونه بود. به یاد داشته باشید که آن احساس چه بود؛ احساسی را که هنگام بیرون کشیدن شما از مصر احساس کردید به یاد داشته باشید. بنابراین، شما باید با افراد مشابهی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند به این شکل رفتار کنید. بنابراین، ما این را در هنگام بررسی برخی از قوانین در نظر خواهیم داشت.

تثبیه ۸ و سعادت

بنابراین در باب ۸ در مورد رفاه، ما یاد خواهیم گرفت که رفاه زمانی حاصل می‌شود که مردم وارد سرزمینی می‌شوند؛ رفاه و آسایشی که در آن سرزمین تجربه کرده‌اند می‌تواند منجر به خوداتکایی یا اتکا به نفس شود، جایی که می‌توانند فکر کنند خودشان هستند که آن رفاه را به دست آورده‌اند، به جای اینکه تشخیص دهند و به یاد داشته باشند که این خدا بوده که آن را به آنها داده است. تثبیه ۸ همچنین برای ما بسیار مفید خواهد بود تا تجربه بیابان آنها را با حاصلخیزی سرزمینی که آماده ورود به آن هستند، مقایسه و مقابله کنیم.

بنابراین، ما شروع به خواندن تثبیه ۸، آیه ۱ می‌کنیم. «تمام احکامی را که امروز به شما می‌دهم، باید به دقت انجام دهید تا زنده بمانید و زیاد شوید و به سرزمینی که خداوند سوگند یاد کرد به اجدادتان بدهد، وارد شوید و آن را تصرف کنید. تمام مسیری را که خداوند، خدایتان، شما را در این چهل سال در بیابان هدایت کرد به یاد داشته باشید تا شما را فروتن کند و شما را بیازماید و بداند که در قلب شما چیست، آیا احکام او را ننگه

می‌دارید یا نه. او شما را فروتن کرد و گرسنه گذاشت. او شما را با مَنّ تغذیه کرد که شما نمی‌دانستید، و پدرانتان هم نمی‌دانستند، تا به شما بفهماند که انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر چیزی که از دهان خداوند صادر می‌شود، زنده است. لباس‌هایتان در این چهل سال کهنه نشد و پاهایتان متورم نشد. بنابراین، باید در قلب خود «بدانید که خداوند، خدایتان، شما را درست همانطور که یک مرد پسرش را تنبیه می‌کند، تنبیه می‌کرد»

بنابراین، بیابان را به یاد داشته باشید، اما حضور خدا را در میان خود در بیابان به یاد داشته باشید. این تشخیص وجود دارد که سخت بود، اما با این حال خدا آنجا بود. و بنابراین، وقتی بیابان را به یاد می‌آورید، به یاد داشته باشید که بیشتر از عناصر طبیعی اطراف خود به خدا وابسته هستید. خدا مانند پدری است که نیازهای قوم خود را برآورده می‌کند.

تثنیه ۸:۶ تصاویری از سرزمین نیکوی عدن مانند در مقایسه با بیابان

بنابراین در آیه ۶، اکنون می‌خواهیم تصاویری از سرزمین را در مقابل بیابان خشن که در آن لباس‌هایشان باید مندرس و کفش‌هایشان باید مندرس می‌بود، انتخاب کنیم، اما آنها این کار را نکردند. «بنابراین، شما باید از فرامین خداوند، خدای خود، پیروی کنید، در راه‌های او گام بردارید و از او بترسید، زیرا خداوند خدای شما، شما را به سرزمینی نیکو می‌آورد.» دوباره همان ایده سرزمین نیکو مطرح می‌شود، سرزمینی که پتانسیل نوع عدن را دارد.

سرزمینی پر از جویبارهای آب، چشمه‌ها و فواره‌ها که در دره‌ها و تپه‌ها جاری است، سرزمینی پر از گندم و جو، تاک، انجیر و انار، سرزمینی پر از روغن زیتون و عسل، سرزمینی که در آن بدون کمبود غذا خواهید خورد و در آن به چیزی نیاز نخواهید داشت، سرزمینی که سنگ‌هایش آهن است و از تپه‌هایش مس خواهد کند.»

«من اینجا لحظه‌ای مکث می‌کنم. تثنیه ادامه خواهد یافت و در مورد «مراقب باشید» صحبت خواهد کرد زیرا وقتی وارد چنین فراوانی می‌شوید، دلنمان می‌خواهد از خدا روی برگردانید. مراقب باشید، زیرا چه در سرزمین فراوانی باشید و چه در سرزمینی مانند بیابان، باید به یاد داشته باشید که به خدا وابسته هستید»

تثنیه ۸ و تقویم کشاورزی

حالا، بخشی از این فهرست، فقط یک فهرست آرمان‌شهری از محصولات که تثنیه فهرست می‌کند نیست؛ تثنیه فهرستی از نحوه‌ی عملکرد واقعی زمین است.

خب، می‌خواهم این تقویم را به شما نشان دهم. این تقویم همین‌جاست. این روش من برای نمادگذاری سال کشاورزی است. پس، به یاد داشته باشید، این افراد از طریق زمین امرار معاش می‌کنند؛ معیشت آنها به

ارتباط نزدیک با محل زندگی‌شان بستگی دارد. آنها زمین را بر اساس نحوه عملکرد و کارکرد آن می‌شناسند، بنابراین، وقتی زمان را سازماندهی می‌کنند، آن را بر اساس انواع فعالیت‌هایی که روی زمین انجام می‌دهند، سازماندهی می‌کنند.

متوجه خواهید شد که دو دایره متفاوت وجود دارد. یک دایره داخلی و یک دایره خارجی وجود دارد، و هلال، که شکاف بین دو دایره است، در واقع زمانی است که احتمال باران وجود دارد. بنابراین این تنها زمانی در آن سرزمین است که ممکن است باران داشته باشید. مردم در مورد سرزمین اسرائیل یا سرزمین کتاب مقدس صحبت می‌کنند که فقط دو فصل وجود داشته است. در آمریکای شمالی، ما به چهار فصل فکر می‌کنیم. اما آنها به دو فصل فکر می‌کردند، فصل بارانی و فصل خشک.

حالا حروفی داریم که دور تا دور محیط این دایره یا محیط دایره کشیده شده‌اند، و حروف از دورترین داریم. بنابراین اینها حروف ماه‌های سال **JFMA** و سپس **J** نقطه، از بالا به سمت چپ شروع می‌شوند، یک انگلیسی هستند - ژانویه، فوریه، مارس، آوریل، مه. بنابراین، تقویم را بر اساس ژانویه سازماندهی می‌کنیم. اول ژانویه، تقویم را ورق می‌زنیم و سال جدید را آغاز می‌کنیم.

این با توجه به نحوه عملکرد زمین طبیعی نبود، و بنابراین قوم اسرائیل سال خود را بر اساس ژانویه که برای ما خیلی دیرتر فرا رسید، تنظیم نکردند. آنها این کار را بر اساس زمان شروع باران انجام دادند. بنابراین در سپتامبر و اکتبر باران‌های اولیه را داریم. این بدان معناست که ما تازه از فصل خشک بیرون آمده‌ایم و قرار است این قطرات کوچک و سبک باران مه‌آلود را دریافت کنیم. در سپتامبر/اکتبر، مزیت آن باران این است که به آرامی روی زمین می‌بارد، در خاک نفوذ می‌کند و به کشاورز اجازه می‌دهد تا بیرون برود و خاک سفتی را که در طول فصل خشک سفت شده است، شخم بزند و نرم کند. بنابراین، کشاورز می‌تواند در نوامبر شخم بزند و در دسامبر، آنها بیرون می‌روند و بذر را در مزرعه خود می‌کارند. و سپس تا دسامبر، ابرهای باران‌زای بزرگ و سنگین از راه می‌رسند. بنابراین، این زمانی است که ما از دسامبر، ژانویه و فوریه عبور می‌کنیم، بیشترین باران را روی زمین می‌بارید. سپس باران کم می‌شود و طوفان‌های باران کمتر و کمتری خواهید داشت. دوباره طوفان‌های مه‌آلود بیشتری خواهیم داشت. و تا ماه مارس، باران‌های اخیر را خواهیم داشت. این آخرین بارش‌های کوچک آب در سال کشاورزی است که به کشاورزان اجازه می‌دهد محصولات خود را تولید کنند.

بنابراین، اگر توجه کنیم که شخم زدن و کاشت از دسامبر تا مارس اتفاق می‌افتد، می‌توانیم شروع به برداشت کنیم. همانطور که شروع به برداشت می‌کنیم، اولین محصولی که آماده برداشت است جو است که در مارس می‌رسد. در طول آوریل و مه، برداشت گندم شروع می‌شود. و اکنون، تا پایان برداشت گندم، دیگر بارانی نداریم. بنابراین، از ماه مه تا اوایل ژوئن، باران‌ها با ورود به فصل خشک کاملاً متوقف شده‌اند.

بنابراین، ما گرمای آفتاب تابستان را داریم. تا زمانی که به ماه اوت می‌رسیم، انگورهایی داریم که برداشت می‌شوند؛ انجیر و انار داریم. همه این میوه‌های تابستانی عالی و شگفت‌انگیز. و در ماه اکتبر، درست زمانی که ممکن است باران‌های اولیه دوباره شروع شوند، زیتون‌های سبز و زیتون‌های سیاه را داریم که برداشت می‌شوند. بنابراین، برداشت زیتون آخرین محصولی است که از زمین بیرون آورده می‌شود قبل از اینکه کشاورز مجبور شود کل تقویم را دوباره از نو شروع کند.

بنابراین، این بار درست همین جا، باران‌های اولیه، قرار است روش هشانا، آغاز سال، را نشان دهد. با این حال، این چیزی است که می‌خواهم به آن نگاه کنیم. ما به این تقویم کشاورزی باز خواهیم گشت زیرا وقتی به جشنواره‌هایی که توسط بنی‌اسرائیل جشن گرفته می‌شوند، می‌رسیم، این تقویم به کار خود ادامه می‌دهد. اما چیزی که می‌خواهم به آن فکر کنیم این است که اگر زمین اینگونه کار می‌کند، این روش طبیعی عملکرد قلمرو کشاورزی در اسرائیل است. اینها محصولات طبیعی هستند که از آن زمین بیرون می‌آیند. می‌توانیم آشنایی‌ای را که تشنیه با این زمین دارد، در توصیف زمین بشنویم.

تشنیه ۷:۸ توصیف سرزمین نیکو

بنابراین، بیایید به تشنیه، فصل ۸ برگردیم. من از آیه ۷ شروع می‌کنم، و این توصیفی از سرزمین نیکو است. «سرزمینی است پر از نهرهای آب، چشمه‌ها و فواره‌ها که در دره‌ها و تپه‌ها جاری است، سرزمینی پر از گندم و جو، تاک، انجیر، انار، سرزمینی پر از روغن زیتون و عسل،

آیا متوجه چیزی در مورد فهرست آن محصول شده‌اید؟ آن محصولات؟ آنها طبق تقویم کشاورزی مرتب شده‌اند. بنابراین، این فقط یک لیست تصادفی نیست که بگوید شما به سرزمینی می‌روید و قرار است پر از نعمت هر چیزی باشد که شما بخواهید. شما به سرزمینی می‌روید؛ اینها محصولات آن سرزمین هستند. این ترتیبی است که آنها از زمین بیرون می‌آیند. این سرزمین خوب است. این مکان بسیار واقعی، سرزمین خوبی است که خدا به شما می‌دهد. و این پتانسیل را دارد که خوب باشد، درست مانند عدن که برای مردم خوب بود.

تشنیه ۱۸:۸ رفاه می‌تواند به خوداتکایی منجر شود

بنابراین وقتی به فصل ۸ می‌رسیم، به این ایده می‌پردازیم که رفاه می‌تواند به خوداتکایی منجر شود، و بنابراین آنها باید تاریخ خود را به خاطر بسپارند زیرا اگر وارد این سرزمین پهناور شوند، ممکن است قلبشان از خدا رویگردان شود.

ما مقایسه بین تصاویر بیابان و تصاویر خشکی را دیدیم. تا زمانی که به آیه ۱۸ می‌رسیم، دوباره این ایده را داریم: «خداوند، خدای خود را به یاد خواهید آورد، زیرا اوست که به شما قدرت می‌دهد تا ثروت به دست آورید تا عهد خود را که برای پدرانتان قسم خورده بود، مانند امروز، تأیید کند».

اگر فراموش کنی، پس تثنیه ۸، این خداست که به تو اجازه ورود می‌دهد. این همه کار خداست، پس مراقب باش که فراموش نکنی.

تثنیه و وسوسه عیسی در بیابان (متی ۴)

بنابر این فقط برای پایان دادن به این سخنرانی. چند نکته وجود دارد که می‌خواهم در مورد آنها فکر کنیم، همانطور که حتی ممکن است به عهد جدید فکر کنیم. آیا به یاد دارید وقتی عیسی درست قبل از شروع خدمت عمومی خود، در حال قدم زدن بود، یحیی تعمید دهنده را نزدیک اردن پیدا کرد؟ او توسط یحیی تعمید دهنده غسل تعمید داده شد و سپس به مدت ۴۰ روز به بیابان رفت. کتاب مقدس چیزهای زیادی در مورد بودن در بیابان در آن ۴۰ روز به ما نمی‌گوید. عیسی چه کرد؟ او به چه چیزی فکر می‌کرد؟ ما می‌دانیم که او روزه گرفت، اما چه چیز دیگری در جریان بود؟ ما نمی‌دانیم نویسندگان کتاب مقدس چه چیزی را به ما نمی‌گویند. با این حال، من عاشق این هستم، به خصوص به عنوان یک محقق تثنیه که دوست دارم بگویم فکر می‌کنم عیسی در مورد کتاب تثنیه صحبت می‌کرد. این کتاب اصلی بسیاری از الهیات بنی‌اسرائیلی و یهودی است. خدا کیست؟ آیا ما به یاد می‌آوریم که او کیست؟ آیا ما تصمیم می‌گیریم که مطابق با آن عمل کنیم؟ زیرا وقتی عیسی وسوسه می‌شود، اولین چیزهایی که از دهانش خارج می‌شود، همگی از کتاب تثنیه سرچشمه می‌گیرند.

پس با من همراه شوید؛ من می‌خواهم نسخه‌ای را که در متی است بخوانم. بیایید به متی ۴ برگردیم. بنابراین، در آن آمده است: «آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا توسط شیطان وسوسه شود. و پس از آنکه ۴۰ روز و ۴۰ شب روزه گرفت، گرسنه شد. و وسوسه‌گر آمد و به او گفت: «اگر تو پسر خدایی.»» بیایید، فقط یک ثانیه مکث کنیم زیرا در تثنیه، قبلاً متوجه شده‌ایم که پسری برای خدا وجود دارد. در تثنیه فصل ۱ بنی‌اسرائیل پسر خدا نامیده می‌شوند، و در سراسر کتاب مقدس عبری؛ بنی‌اسرائیل نخست‌زاده، پسر خدا در نظر گرفته می‌شوند. اکنون عیسی این هویت را به خود می‌گیرد. و بنابراین اینجا یک سوال هویتی مطرح می‌شود که متهم‌کننده نزد عیسی می‌آید و می‌گوید: «اگر تو واقعاً پسر خدایی، به این سنگ‌ها بگو نان شوند.» اما او پاسخ می‌دهد: «نوشته شده است که انسان نه تنها به نان زندگی می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر شود.»

ما قبلاً این را شنیده‌ایم. این از تثنیه ۸ آمده است، یعنی تثنیه ۸:۳. حال، وقتی در مورد متن عهد جدید صحبت می‌کنیم، هر زمان که متن عهد جدید به متون عهد عتیق اشاره می‌کند، هرگز فقط به یک جمله نقل شده اشاره نمی‌کند. بلکه به کل متن اشاره دارد. بنابراین، وقتی هویت عیسی در اینجا در اولین وسوسه در انجیل متی مورد سوال قرار می‌گیرد، عیسی با تثنیه ۸:۳ پاسخ می‌دهد، اما او به کل آن بخش اشاره می‌کند.

تثنیه ۸ چه بود؟ آیا می‌توانید تصاویر بیابان در مقابل خشکی را به خاطر بیاورید؟ آیا به یاد دارید که خدا فراهم کرد که حتی وقتی همه چیز تاریک و بی‌حاصل به نظر می‌رسد، خدا کسی است که فراهم می‌کند؟ بنابراین، عیسی اینجا می‌رود، همانطور که خدا در بیابان فراهم کرد؛ خدا کسی است که اکنون برای من فراهم می‌کند.

سپس شیطان او را به شهر مقدس برد، او را بر فراز معبد قرار داد و به او گفت: «اگر پسر خدا هستی، خود را به پایین بینداز، زیرا نوشته شده است: او فرشتگان خود را در مورد تو فرمان خواهد داد.» که اتفاقاً از مزمو ۹۱ آمده است. بنابراین، او نیز از کتاب مقدس نقل قول می‌کند. «و تو را بر روی دست‌هایشان خواهند گرفت تا پایت به سنگی نخورد.» و عیسی به او گفت: «از سوی دیگر، نوشته شده است: خداوند، خدای خود را آزمایش نکن.» این نقل قولی از تثنیه ۶، از بخش دوم تثنیه ۶ است. پس برگردید و بگویید: کل آن بخش از تثنیه ۶ در مورد چیست: قدرت خدا، اینکه او کیست، صرف نظر از اینکه از خدا پیروی می‌کند.

بار دیگر، ابلیس او را به کوه بسیار بلندی برد و تمام ممالک جهان و جلال آنها را به او نشان داد. و «به او گفت: «اگر به خاک بیفتی و مرا پرستش کنی، همه اینها را به تو خواهم داد.» و عیسی به او گفت: «برو ای شیطان، زیرا نوشته شده است که خداوند، خدای خود را بپرست و فقط او را خدمت کن.» تثنیه ۶:۱۳. پس تمام بخش اول تثنیه ۶ را در نظر بگیرید. این همه در مورد چه بود؟ به یاد داشته باش، به یاد داشته باش و از احکام خدا پیروی کن.

بنابراین، دوست دارم بگویم شاید عیسی، وقتی در بیابان بود، بر تثنیه تمرکز داشت و تثنیه سنگر او. برای مواجهه با وسوسه‌هایی بود که در بیابان با آنها روبرو می‌شد.

بنابراین، برای سخنرانی بعدی، ادامه می‌دهیم و به فصل‌های ۹ تا ۱۱ تثنیه نگاهی می‌اندازیم.

من دکتر سینتیا پارکر و تدریس او در مورد کتاب تثنیه هستیم. این جلسه چهارم در مورد تثنیه، فصل‌های ۵ تا ۸ است.